

بررسی تخلص در غزلیات سعدی

دکتر جهانگیر صفری

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

دکتر سیدجمال‌الدین مرتضوی

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

مهدی مقاره عابد*

چکیده

سعدی در کاربرد تخلص بسیار جدی است به طوری که حدود نود و هفت درصد از غزلهای او تخلص دارد. تخلص معمولاً به صورت سوم شخص مفرد و دوم شخص مفرد (منادا) به کار رفته است. ابیات تخلص معمولاً خبری است یا پند و پیام در آن مطرح شده است. در این مقاله تخلص در غزل سعدی از نظر شخص دستوری یعنی سوم شخص مفرد و دوم شخص مفرد (منادا) و خطاب و فراوانی نسبی خبر و پیام و حالت‌های دیگر در بیت تخلص بررسی شده، موضوع و جایگاه تخلص در ابیات غزل سعدی نشان داده شده است؛ در پایان نیز کمیت آماری موضوعات یاد شده طبق جدول‌های فراوانی نسبی و درصد تقریبی و نمودار درصد دایره‌ای داده‌های آماری عرضه شده است.

کلیدواژه‌ها: تخلص سعدی، جایگاه تخلص در شعر فارسی، موضوع تخلص در شعر فارسی، ادبیات کلاسیک فارسی.

مقدمه

اولین شاعری که به‌طور جدی در غزل تخلص را به‌کار می‌برد سنایی است؛ یعنی حدود ۴۴ درصد از غزل‌های او تخلص دارد. تخلص کلمه یا عنوانی است که شاعر به‌عنوان نام شعری خود بر می‌گزیند و در شعر خود معمولاً آن را یا مورد خطاب قرار می‌دهد و یا از آن خبر می‌دهد. در لغتنامه دهخدا کلمه «تخلص» به معنی رهایی یافتن و در اصطلاح شعرا نام ممدوح را آوردن است (ر.ک. دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۵۷۱۰) و در معنای دیگر «نامی که شاعر برای خود مقرر کند و بدان مشهور گردد مانند فردوسی و سعدی و حافظ و جز آنها و هر بیتی که شاعر تخلص خود را در آن آورد» (نفیسی، بی تا، ص ۸۲۹). تخلص به معنی آوردن نام شاعری در شعر و دیگر به معنی گریز زدن از پیش در آمد تشبیب و تغزل به مدیحه یا موضوع دیگر نیز آمده است (ر.ک. همایی، ۱۳۶۱، ص ۹۹).

کاربرد تخلص در شعر فارسی بسیار مهم است. شاعران قدرتمندی در شعر فارسی مانند سنایی و خاقانی و سعدی و حافظ و دیگران از تخلص استفاده کرده‌اند. استفاده این شاعران قدرتمند از تخلص نشان‌دهنده این است که تخلص در دید و نظر آنان بسیار مهم بوده است و آنان در کاربرد تخلص بسیار جدی بوده‌اند. صرف نظر از بار معنایی تخلص، که به ذوق و نیت شاعر و اوضاع اجتماعی و فرهنگی و عوامل دیگر بستگی داشته است، کلمه تخلص از نظر اوایی نیز باید خوش‌وزن و خوش‌تراش باشد تا در وزن‌ها و بحر‌ها به‌راحتی قابل استفاده باشد. در کتاب زمینه اجتماعی شعر فارسی آمده است مثلاً «شهریار» به استقبال شعر معروف شادروان ملک الشعرا بهار، غزلی می‌سراید که برای آوردن تخلص خود «شهریار» با تنگنای وزن و قافیه روبه‌رو شد؛ ولی به خوبی از عهده کار بر می‌آید.

در قافیه گو نام نگنجد بدرستی درهم شکن، ای «شهر» که «یاران» همه رفتند
(ر.ک. شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶، ص ۸۱ و ۸۰)

خاقانی نیز در چنین تنگنایی کلمه «خاقانی» را به صورت مخفف «خاقنی» مورد استفاده قرار داده است.

در شهادت‌گه عشق است رسیدن مشکل خاقنی‌راه چنان نیست که آسان برسم
(دیوان خاقانی، ص ۶۴۸)

این جدیت در کاربرد تخلص اهمیت آن را می‌رساند. این تنگناها باعث شده، بعضی از تخلصها که وضع مطلوبتری داشته است، مورد استفاده شاعران متعدد قرار گیرد و تخلصهای مشترک به وجود آید که در شناخت شاعران و شعر آنان مشکلاتی ایجاد کرده است؛ مثلاً در کتاب «فرهنگ سخنوران» ذیل عنوان تخلص «صدر» سی و سه مورد آمده است که چهار مورد اصفهانی (صدر اصفهانی) و بقیه پسوندهای دیگری دارد (ر.ک. خیامپور، ۱۳۴۰، ص ۳۳۵-۳۳۲).

سنایی عرفان را به طور جدی وارد شعر فارسی می‌کند. بازار شعر مدحی نیز از رونق می‌افتد و زمینه برای به وجود آمدن قالب غزل به عنوان قالبی مستقل آماده می‌شود. تخلص در قصیده در پایان تغزل می‌آمد و پس از آن مدیحه آغاز می‌شد و در آن گونه شعر تخلص معادل نام ممدوح بود؛ ولی با ورود عرفان در شعر و استقلال یافتن تغزل به عنوان قالبی مستقل با نام غزل، مفهوم تخلص نیز دگرگون شد؛ یعنی تخلص دیگر نام ممدوح نبود؛ بلکه نام شعری شاعر بود که در پایان شعر می‌آمد؛ چنانکه در کتاب سیر غزل در شعر فارسی آمده است:

تخلص در قصیده در وسط شعر، بین دو بخش وصف و مدح قرار دارد. وقتی بخش مدح از بین رفت، بیت تخلص، بیت پایانی شد. منتهی تخلص در قصیده اسم بردن از ممدوح است و در غزل آوردن اسم شاعر (شمسیا، ۱۳۷۰، ص ۵۴).
ضمن پذیرفتن این مطلب باید این مسئله را گوشزد کرد که البته شاعران به این مطلب آگاه بوده‌اند که بیت پایانی تأثیرگذارتر از ابیات دیگر است؛ لذا معمولاً تخلص را در بیت پایانی آورده‌اند و به طور تصادفی و اتفاقی تخلص در بیت پایانی قرار نگرفته است. «از قرن ششم به ویژه اواخر آن غزل توسط شاعرانی چون سنایی و انوری ضمن تحول و تکامل، اعتبار و انتشاری همپای قصیده یافت و از تغزل (نسیب و تشبیب قصیده) جدا شد» (نبوی نژاد، ۱۳۸۲، ص ۱۰۹). اولین شاعری که خود را به آوردن تخلص مقید کرده سنایی است:

می‌توان گفت که نخستین شاعری که در غزل، خود را تا حدی مقید به آوردن تخلص کرده است (تا حدود چهل درصد) سنایی است در پایان قرن پنجم و آغاز قرن ششم که غزلهای او، شمار چشمگیری در حدود چهارصد غزل را تشکیل می‌دهد و بخش قابل ملاحظه‌ای از آنها دارای تخلص است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶، ص ۷۳).

زبان انسان پدیده‌ای فرا زمانی و فرا مکانی است؛ به عبارت دیگر سخنان انسان به زمان و مکان خاصی محدود نیست و همین عامل باعث شده است تجربیات گذشتگان به نسل‌های بعدی منتقل شود و علم گسترش یابد. شعر نیز از این قاعده مستثنی نیست و به زمان و مکان خاصی محدود نیست. اضافه بر این شاعر نیز تنها گوینده شعر نیست. «اساساً از نظر فلسفی، شعر و در کل، سخن ادبی، فاقد گوینده متعین (گوینده‌ای که به زمان و مکان و وضعیت خاص محدود باشد) است» (محمدی، ۱۳۸۴، ص ۵۸)؛ به عبارت دیگر شعری که شاعر در زمانی و مکانی سروده است در زمان و مکانی دیگر به وسیله گوینده‌ای دیگر مرور می‌شود و این گوینده، الفاظ همان شاعر را مرور می‌کند؛ ولی معلوم نیست برداشتش با قصد و نیت آن شاعر یکسان و منطبق باشد. در تخلص نیز شاعر خود را مورد خطاب قرار می‌دهد ولی خطاب و پند و پیام او عمومی است؛ تخلص به شاعر مربوط است ولی به شاعر محدود نیست؛ زیرا خبرها و پیام‌های تخلص معمولاً شخصی و فردی نیست.

در فرهنگ ادبیات فارسی آمده است: تخلص از ویژگی‌های خاص شعر فارسی است و در گذشته برای شاعران پارسی سرا تقریباً از واجبات بود و معمولاً استاد هر شاعر و یا کسی که مقام و منزلت خاصی نزد شاعر داشت برای او تخلصی برمی‌گزید که گاه مناسبی داشت و گاه صرفاً کلمه‌ای زیبا یا ادبی و شاعرانه بود (شریفی، ۱۳۸۷، ص ۳۹۷). «تخلص در معنی دوم [آوردن نام شعری شاعر] در شعر عربی و انگلیسی سابقه ندارد؛ از این رو می‌توان گفت ذکر نام شاعر در شعر از ابتکارات شعر فارسی است» (نیک‌منش، ۱۳۸۲، ص ۳۸). در مقاله «تخلص پنهان» آمده است تخلص در شعر فارسی معمولاً به صورت آشکار و صریح است، مانند حافظ و سعدی و بعضی مواقع نیز پنهان است مانند «خموش» یا «خاموش» برای مولوی در غزلیات شمس (ر.ک. پرنیان، ۱۳۸۰، ص ۳۶۵) ولی در مقاله «خلاصی از تخلص، دلایل «تخلص» نبودن «خاموش» در دیوان غزلیات مولانا» را نویسنده بیان کرده است که «خاموش» تخلص مولوی نیست بلکه از دغدغه‌ها و دل‌مشغولیه‌های مولانا است (ر.ک. حسین‌پور، ۱۳۸۵، ص ۹۹-۱۱۵). لازم به ذکر است تخلص معمولاً به صورت دوم شخص مفرد (منادا) و سوم شخص مفرد می‌آید و خموش و خاموش این‌گونه نیست و نمی‌توان آنها را تخلص نامید. در مقاله «تخلص در شعر فارسی و عربی» سیر تحول و اهمیت تخلص و لقب نزد شاعران عرب و فارسی و تأثیر

متقابل آنها بر یکدیگر بحث شده است (ر.ک. خدایار و یحیی عبید صالح عبید، ۱۳۹۱، ص ۶۱-۷۱). در مقاله «بررسی تخلص در غزلهای نظیره واردوره بازگشت ادبی» به زاویه دید در تخلص، ایهام در تخلص، صفتهای تخلص و مضامینی که در کنار تخلص می‌آید پرداخته است و میزان تقلید نظیره سرایان از سعدی و حافظ در کاربرد تخلص بررسی شده است (ر.ک. پوراناری و ملک ثابت و جلالی پندری، ۱۳۸۹، ص ۳۱ تا ۴۸) و در مقاله «بررسی تخلص در غزل ابتهاج» نویسنده به بررسی تخلص وی (سایه) پرداخته و چگونگی کاربرد این تخلص در غزلها و تناسبی را که ابتهاج با این نام شعری به وجود آورده را بیان کرده است (ر.ک. رشیدی آشجودی، ۱۳۹۰، ص ۴۷ تا ۶۱). در مقاله «نکته‌ای نو درباره شاعری کهن» (تخلص پنهان سنایی) از کلمه «رهی» به عنوان تخلص پنهان سنایی یاد شده است (ر.ک. چمن‌آرا و سهراب‌نژاد، ۱۳۸۸، ص ۲۷ تا ۴۶). با توجه به این پژوهشها، اثر مستقلى در موضوع تخلص سعدی یافت نشد. در این پژوهش سعی شده است به تمام ابیات تخلص در غزل سعدی توجه، و تخلص از نظر شخص دستوری، محتوای پیام یا خبر آن، موضوع تخلص و رابطه معنی دار آن با محتوای غزل و جایگاه بیت تخلص بررسی شود که نگاهی تازه است.

کاربرد جدی تخلص در غزل

در قصیده نیاز نبود شاعر نام خود را به عنوان «تخلص» بیاورد؛ چون اولاً قصیده ستایش محور است و جز نام ممدوح در آن زینده نیست و جایگاهی ندارد، دوم اینکه نسبت قصیده به شاعر مشخص است. شاعر قصیده را برای ممدوح سروده است و ممدوح برای حفظ نام خود هم شده شعر شاعر را حفظ می‌کند و در صدد است انتساب شعر را به شاعر نیز تأیید کند؛ چون انتساب قصیده‌ای ستایشی به شاعری قدرتمند و خوشنام تأیید ممدوح را نیز به همراه دارد؛ اما داستان غزل، دیگر است. شاعر غزل را سفارشی سروده است تا قدرتمندی از آن خوشش آید و در صدد حفظ شعر و شاعر باشد. شاعر با انگیزه‌های درونی و احساس و عاطفه و ذوقی پرسوز و گداز غزل می‌سراید و به نیاز عاطفی خود پاسخ می‌گوید که در واقع نیازی انسانی است و همین انسانی بودن غزل است که همه، غزل را وصف‌الحال خود می‌دانند. شاعر در غزل به کاری هنری دست زده، و بسیار طبیعی است که بخواهد کارش بماند و نسبت این هنر و اثر را به خود روشن سازد. بهترین راه برای حفظ چنین اثر هنری و روشن

ساختن نسبت این کار ارزشمند به شاعر چیزی جز «تخلص» نیست. تخلص، تفننی نیست؛ بلکه شاعر آن را بسیار مهم و جدی تلقی می‌کند و خود را به کاربرد آن ملزم می‌داند. هر قدر از شروع استقلال غزل به عنوان قالبی مستقل می‌گذرد، شاعران در کاربرد تخلص جدیت بیشتری از خود نشان داده‌اند؛ مثلاً سنایی که پیش‌تاز این حرکت است، حدود ۴۴ درصد از غزلهایش دارای تخلص است. پس از او خاقانی ۹۰ درصد، سعدی حدود ۹۷ درصد و حافظ حدود ۹۸ درصد از غزلیاتش دارای تخلص است (ر.ک. مقاره عابد، ۱۳۸۹، ص ۲۹).

شاید نتوان نیت و هدف واقعی شاعر را از کاربرد تخلص دریافت؛ ولی از بررسی ابیاتی که نام شعری شاعر به عنوان تخلص در آن ابیات آمده است، می‌توان به نکات ارزشمندی رسید و گفت بعضی مواقع بیت تخلص خلاصه‌ای از شعر را در بر دارد و به نوعی حاصل شعر است. معمولاً در بیت تخلص کلمه تخلص ریا به صورت سوم شخص مفرد به کار برده‌اند و از خود در مقام سوم شخص مفرد خبر می‌دهند و یا اینکه خود را در مقام دوم شخص مفرد (منادا) مورد خطاب قرار می‌دهند.

تخلص سعدی

در کتاب فرهنگ سخنوران از چهار نفر با عنوان «سعدی» یاد شده است که سعدی شیرازی از نظر تاریخی بر آنان مقدم است (ر.ک. خیامپور، ۱۳۴۰، ص ۲۶۸ و ۲۶۹). در تذکره دولت‌شاه سمرقندی درباره سعدی آمده است: «و ظهور شیخ در روزگار اتابک سعد بن زنگی بوده و گویند پدر شیخ ملازم اتابک بوده، وجه تخلص سعدی بدان جهت است» (دولت‌شاه، ۱۳۸۵، ص ۵۳۱). در تذکره هفت اقلیم نیز آمده است:

و ابتدای ظهور شیخ در روزگار اتابک سعد بوده چون به حد کمال رسیده ابوبکر بن سعد بر سریر سلطنت تکیه زده بوستان و گلستان به نام او نوشته و ایام فوتش را در زمان حکومت اتابک محمد بن سلغرشاه فی سنه تسعین وست مائه «۶۹۰» دست داده (امین احمد رازی، ۱۳۷۸، ص ۲۰۵).

در کتاب تاریخ ادبیات در ایران آمده است: «و اما درباره کیفیت اشتهار شاعر به «سعدی» که لقب شعری (تخلص) اوست اختلاف است. بنا بر اقوال متقدمین تخلص او به سعدی به سبب ظهور اوست در روزگار اتابک سعد بن زنگی بن مودود سلغری (۵۹۹-۶۲۳) و بنا بر نظر ابن الفوطی در کتاب تلخیص مجمع‌الآداب به علت انتساب

سعدی است به سعد بن ابن بکر بن سعد بن زنگی، و این نظر ثانوی مورد قبول غالب محققان معاصر است (صفا، ۱۳۶۶، ص ۵۸۸ و ۵۸۹).

تخلص «سعدی» از نظر مفهومی کلمه‌ای است که بار معنایی مثبتی دارد و شاعر آن را به عنوان تخلص به کار می‌برد و چنان به آن دلبسته است که معمولاً غزلیاتش را بدون آن (سعدی) تمام نمی‌کند و نتیجه سخن و شعر خود را در بیت تخلص می‌آورد که معمولاً بیت پایانی غزل است. تخلص سعدی از نظر آوایی و موسیقایی نیز کلمه‌ای خوش‌وزن و خوش‌تراش است و او را - هرچند سخن در دستش مانند موم نرم و انعطاف‌پذیر است - در وزنها و بحرهای مختلف به زحمت نینداخته است؛ در عین حال از نظر مفهومی در راستای تفکر اوست و انطباق این دو ویژگی یعنی بار معنایی مناسب و خوش‌وزن و خوش‌تراش بودن کلمه تخلص، کار انتخاب تخلص را دشوار می‌کند؛ هر چند چنین کاری برای شاعری چون سعدی سهل است.

تخلص سعدی از نظر شخص و خطاب و درونمایه

حدود ۹۷ درصد از غزلیات سعدی دارای تخلص است و حدود ۵۷ درصد از تخلصها به صورت سوم شخص مفرد به کار رفته است. ابیاتی که تخلص در آن به صورت سوم شخص مفرد به کار رفته است، معمولاً جنبه خبری دارد؛ این خبر وصف‌الحال شاعر است با تخلص خاص خود. اما این خبر به شاعر محدود نمی‌شود؛ شاعر از خود به عنوان سوم شخص مفرد خبر می‌دهد؛ ولی در واقع او از همه انسانها خبر می‌دهد؛ این خبر، انسانی است؛ خبری از حالت و وضعیت انسان آرزویی شاعر. تخلص به شاعر مربوط است اما به شاعر محدود نیست. به نظر می‌رسد وقتی شاعر اندیشه و سخن خود را فراتر از اندیشه‌ای شخصی می‌یابد به خود اجازه می‌دهد این سخن را به همه انسانها مربوط بداند و با عنوان تخلص خود آن را بیان کند. دلیل این مطلب اینکه خبر یا پیامی که در بیت تخلص مطرح می‌شود، معمولاً جنبه شخصی و فردی ندارد.

در غزل سعدی حدود چهل و یک درصد از تخلصها به صورت دوم شخص مفرد (منادا) به کار رفته است که معمولاً جنبه خبری و پند و پیام دارد، در ابیاتی که جنبه پند و پیام دارد؛ شاعر معمولاً با اقتدار سخن می‌گوید؛ در واقع شاعر به نتایجی رسیده است که می‌تواند به طور جزمی به پند و نصیحت پردازد؛ اما چون خود را مورد خطاب قرار می‌دهد این قطعیت و جزمیت آزاردهنده نیست. شاعر خود را مورد خطاب قرار

می‌دهد ولی خطاب او عام است؛ دیگران نیز در مورد پند و پیام او تأمل کرده؛ به طور منطقی آن را می‌پذیرند؛ لذا پند شاعر، خردگرایانه است نه تکلیف‌گرایانه. در غزل‌های سعدی تخلص، بیشتر به صورت سوم شخص مفرد (او) به کار رفته است و پس از آن به صورت دوم شخص مفرد (تو و منادا). محتوای تخلصهایی که به صورت سوم شخص مفرد به کار رفته معمولاً خبری است و پس از آن پند و پیام و در مواردی نیز خبر و پند و پیام یا پند و پیام و خبر عرضه می‌شود، که نمونه‌های شعری از موضوعات ذکر شده بیان می‌شود.

الف) تخلص به صورت سوم شخص مفرد

۱. خبر: حدود ۴۳ درصد از تخلصهای سعدی که به صورت سوم شخص مفرد به کار رفته خبری است؛ یعنی در بیت تخلص، خبری مطرح شده است. این گونه ابیات بیشترین ابیات تخلص در غزل سعدی است؛ مانند

نه حسنت آخری دارد، نه سعدی را سخن پایان بمیرد تشنه مستسقی و دریا همچنان باقی

(سعدی، ۱۳۷۵، ص ۷۵۳)

دل دردمند سعدی ز محبت تو خون شد نه به وصل می‌رسانی نه به قتل می‌رهانی

(همان، ص ۷۷۴)

روان روشن سعدی که شمع مجلس توست به هیچ کار نیاید گرش نسوزانی

(همان، ص ۷۷۳)

عشق سعدی نه حدیثی است که پنهان ماند داستانی است که بر هر سر بازاری هست

(همان، ص ۴۸۲)

۲. پند و پیام: حدود ۳ درصد از تخلصهای سعدی، که به صورت سوم شخص مفرد به کار رفته در ابیاتی آمده است که پند و پیامی در بر دارد؛ در این ابیات سعدی منادا نیست ولی به هر حال پند و پیام به صورت خطاب‌ی مطرح شده است:

دفتر فکرت بشوی، گفته سعدی بگوی دامن گوهر بیار بر سر مجلس بیار

(همان، ص ۵۸۱)

طوطیان جان سعدی را به لطف شگری ده از لب یاقوت فام

(همان، ص ۶۱۵)

۳. **خبر و پند و پیام یا پند و پیام و خبر:** در مواردی تخلصهایی که به صورت سوم شخص مفرد به کار رفته آمیزه‌ای از خبر و پند و پیام است که خبر و پند و پیام و یا به عکس پیام و پند از آن خبر مطرح شده است:

ای باد صبح، دشمن سعدی مراد یافت نزدیک دوستان وی این داستان بگویی
(همان، ص ۷۸۳)

عیب سعدی مکن ای خواجه اگر آدمی کادمی نیست که میلش به پری‌رویان نیست
(همان، ص ۴۸۸)

۴. **پرسش:** گاهی در ابیاتی که تخلص به صورت سوم شخص مفرد به کار رفته پرسشی مطرح شده است:

شنیده‌ای که مقالات سعدی از شیراز همی‌برند به عالم چو نافه خنتی
(همان، ص ۷۶۳)

سعدی به دو چشم تو که دارد چشمی و هزار دانه لؤ لؤ
(همان، ص ۶۸۹)

گاهی ابیاتی که تخلص در آن به صورت سوم شخص مفرد (او) به کار رفته آمیزه‌ای از خبر، دعا و آرزو، پرسش و پند و پیام است؛ مانند

به خون سعدی اگر تشنه‌ای حلالیت باد تو دیر زی که مرا عمر خود نمی‌پاید
(همان، ص ۵۷)

خرم آن روز که باز آیی و سعدی گوید آمدی وه که چه مشتاق و پریشان بودم
(همان، ص ۶۲۹)

ب) تخلص به صورت دوم شخص مفرد (منادا)

۱. **خبر:** حدود ۲۱ درصد از تخلصهای سعدی، که به صورت دوم شخص مفرد (منادا) به کار رفته، خبری است؛ یعنی خبری در بیت تخلص مطرح شده است:

سعدیا، گر قدمت راه به پایان نرساند باری اندر طلبش عمر به پایان برسانی
(همان، ص ۷۷۵)

سعدی، چو سروری نتوان کرد، لازم است با سخت بازوان به‌ضرورت فروتنی
(همان، ص ۷۶۳)

سعدی به روزگاران مهری نشسته بردل بیرون نمی‌توان کرد الا به روزگاران
(همان، ص ۶۷۳)

۲. **پند و پیام:** در غزلیات سعدی حدود ۷/۹۲ درصد از تخلصها به صورت دوم شخص مفرد (منادا) به کار رفته است و پند و پیامی در بردارد؛ شاعر خود را مورد خطاب قرار می‌دهد ولی خطاب او عام است؛ دیگران نیز به طور منطقی آن پند و پیام را می‌پذیرند؛ لذا پند شاعر، خردگرایانه است نه تکلیف‌گرایانه:

سعدیا، گر عاشقی پایی بکوب عاشقا، گر مفلسی دستی بزن
(همان، ص ۶۶۹)

سعدی در بستان هوای دگری زن وین کشته رها کن که در او گله چریدست
(همان، ص ۴۵۳)

۳. **خبر و پند و پیام یا پند و پیام و خبر:** در مواردی تخلصهایی که به صورت دوم شخص مفرد (منادا) به کار رفته، آمیزه‌ای از پند و پیام و خبر است؛ یعنی در بیت تخلص پند و پیام و خبر همراه است.

گله از فراق یاران و جفای روزگاران نه طریق توست سعدی، کم خویش گیر و رستی
(همان، ص ۷۱۶)

مینۀ دل بر سرای عمر، سعدی که بر گنبد نخواهد ماند این گوز
(همان، ص ۵۹۱)

۴- **پرسش:** گاهی در ابیاتی که تخلص در آن به صورت سوم شخص مفرد به کار رفته، پرسشی مطرح شده است:

سعدی شوریده، بی قرار چرایی در پی چیزی که بر قرار نماند؟
(همان، ص ۵۴۰)

آن چه رفتارست و قامت و آن چه گفتار و قیامت؟

چند خواهی گفت سعدی؟ طیبات آخر ندارد
(همان، ص ۵۱۰)

گاهی تخلص به صورت دوم شخص مفرد (منادا) آمیزه‌ای از پرسش، خبر و پند و پیام است؛ مانند

سعدی این منزل ویران چه کنی؟ جای تو نیست

رخت بر بند که منزلگه احرار آنجاست
(همان، ص ۴۴۴)

سعدیا، حسرت بیهوده مخور، دانی چیست چاره کار تو؟ جان دادن و جانان دیدن
(همان، ص ۶۸۲)

تخلصهای سعدی بیشتر به صورت سوم شخص مفرد (او) آمده است که معمولاً جنبه خبری دارد؛ در مواردی نیز به صورت دوم شخص مفرد (منادا) به کار رفته است که بیشتر جنبه خبری دارد و در مواردی نیز پند و پیامی در بردارد. موارد دیگری نیز در تخلصها مطرح شده که کمیت آماری شخص و خطاب و درونمایه تخلص در غزل سعدی طبق جدول فراوانی نسبی و درصد تقریبی شماره (۱) محاسبه و عرضه، و در پایان این کمیت آماری به صورت نمودار دایره‌ای (۱-۱) و (۱-۲) ارائه شده است.

آرایه‌های ادبی در بیت تخلص

با توجه به ظرافتها و دقتهایی که در انتخاب تخلص وجود دارد وجود تخلص در هر بیت آرایه‌ای جاندار و مؤثر است. شاعر اضافه بر یافتن کلمه‌ای خوش‌وزن و خوش‌تراش با معنا و مفهومی خاص توانسته است چنین کلمه‌ای را در مجموعه کلمات بیت بیاورد و این تکلف باعث نشده است معنا و مفهوم شعر محدود شود بلکه به عکس ابیات تخلص از ایجاز بیشتری برخوردار، و به نوعی خلاصه‌ای از شعر است. زیبایی بیت تخلص که معمولاً بیت پایانی است و معمولاً خبر و پیام تأثیرگذار شاعر را منتقل می‌کند، تفننی نیست. شاعر هوشمندانه دریافته است، ابیات پایانی جایگاه مناسبی برای بیان خبر و پیام است و تأثیر این ابیات ماندگارتر از ابیات دیگر است؛ پس دور از ذهن نیست، شاعر کوشیده باشد بیت تخلص را به بهترین شکل لفظی و آوایی و معنایی و مفهومی عرضه کند؛ چنانکه درباره حسن تخلص که به قصیده مربوط است - تخلص در غزل نیز از نظر تاریخی ادامه تخلص در قصیده است - در کتاب ترجمان‌البلاغه آمده است: «و یکی از جمله بلاغت آن است و صنعت کی تخلص نیکوتر بود و چنان باید کی شاعر تکلف کند و بیت مخلص نیکوتر و قویتر گوید و اگر قویتر نگوید باری کم از بیتهای دیگر نباید» (رادویانی، ۱۳۶۲، ص ۵۷).

جایگاه بیت تخلص در غزلیات سعدی

حدود ۹۷ درصد از غزلهای سعدی، تخلص دارد و تخلص بیشتر در بیت پایانی و در مواردی نیز پس از بیت تخلص یک یا چند بیت آمده است. این مطلب بسیار مهم است که شاعر معمولاً بیت پایانی را برای تخلص انتخاب کرده است. این مسئله تصادفی و اتفاقی نیست؛ بسیار دور از ذهن است شاعران بزرگی مانند سنایی، خاقانی، سعدی و حافظ و دیگران که شاعرانی سنت‌گذار بوده‌اند و دلیل ماندگاری آنان صاحب سبک

بودن آنان است صرفاً مقلدانه از این سنت پیروی کنند و، تخلص را در بیت پایانی غزل بیاورند، آنان هوشمندانه دریافته بودند که بیت پایانی تأثیرگذارتر است و اثرش ماندگارتر؛ لذا بیت آخر را برای این مهم انتخاب کرده اند. کمیت آماری جایگاه بیت تخلص در غزلیات سعدی طبق جدول فراوانی نسبی و درصد تقریبی شماره (۲) محاسبه و عرضه، و در پایان این کمیت آماری به صورت نمودار دایره‌ای شماره (۲) عرضه شده است.

موضوع تخلص در غزل سعدی

در غزلیات سعدی حدود ۹۳ درصد از تخلصها در موضوع اساسی و محوری عشق و دلدادگی است. سعدی در مواردی کلمه‌ی «عشق» را عیناً در بیت تخلص آورده و در مواردی نیز مفهوم «عشق و دلدادگی» موضوع بیت تخلص اوست. گاهی موضوع بیت تخلص در غزل سعدی آمیزه‌ای است از «سخن سعدی و عشق» و در مواردی نیز موضوع تخلص «سخن سعدی» است.

عشق

نمونه‌هایی از تخلص با موضوع محوری «عشق و دلدادگی» چنین است:

سعدیا گر عاشقی پابی بکوب عاشقا، گر مفلسی دستی بزن
(همان، ص ۶۶۹)

سعدیا، عاشق صادق ز بلا نگریزد سست عهدان ارادت ز ملامت برمند
(همان، ص ۵۵۳)

نمونه‌هایی که موضوع بیت تخلص مفهوم عشق و دلدادگی است ولی کلمه «عشق» عیناً نیامده است:

هزار بادیه سهل است با وجود تو رفتن اگر خلاف کنم سعدیا به سوی تو باشم
(همان، ص ۶۴۳)

سعدی از بند تو هرگز به در آید؟ هیئات

بلکه حیف است بر آن کس که به زندان تو نیست
(همان، ص ۴۹۰)

سخن سعدی و عشق

گاهی محتوای بیت تخلص در غزل سعدی آمیزه‌ای از «عشق و سخن» است؛ مانند

سخن بیرون مگوی از عشق سعدی سخن عشق است و دیگر قال و قیل است
(همان، ص ۴۶۱)
ز خلق گوی لطافت تو برده‌ای امروز به خو برویی و سعدی به خوب‌گفتاری
(کلیات سعدی، ص ۷۳۸)

آب شوق از چشم سعدی می‌رود بر دست و خط
لاجرم چون شعر می‌آید سخن تر می‌شود
(همان، ص ۵۶۶)

سخن سعدی

گاهی موضوع بیت تخلص «سخن سعدی» است؛ مانند
سعدی اندازه ندارد که چه شیرین سخنی باغ طبعت همه مرغان شکر گفتارند
(همان، ص ۵۴۵)
دفتر فکرت بشوی، گفته سعدی بگوی دامن گوهر بیار بر سر مجلس بیار
(همان، ص ۵۸۱)

موضوع محوری تخلص در غزلیات سعدی عشق و دلدادگی است که از ویژگی‌های مفهومی غزل است و این مفهوم در ابیات تخلص در غزل سعدی به طور کامل در جلوه‌های مختلف رخ نشان می‌دهد و جلوه‌گری می‌کند و تأثیرگذار است؛ این خود می‌تواند نشانه‌ای باشد بر اینکه بیت تخلص خلاصه و چکیده شعر است و از بیت تخلص می‌توان به محتوای شعر پی برد و فکر و اندیشه و بایدها و نبایدهای شاعر را دریافت. در ابیات تخلص در غزلیات سعدی کمتر موضوعات دیگری نیز دیده می‌شود. کمیت آماری موضوع تخلص در غزلیات سعدی در جدول فراوانی نسبی و درصد تقریبی شماره (۳) محاسبه و عرضه، و در پایان این کمیت آماری به صورت نمودار دایره‌ای نشان داده شده است (۳).

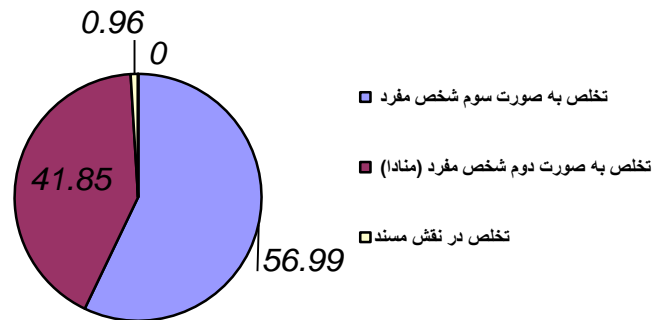
عنوان تخلص در غزلیات سعدی

در غزلیات سعدی بیشتر تخلص با عنوان «سعدی» به صورت سوم شخص مفرد و پس از آن دوم شخص مفرد (منادا) به کار رفته است؛ در مواردی نیز تخلص با عنوان «سعدیا» به صورت دوم شخص مفرد (منادا) آمده است. کمیت آماری عنوان تخلص در غزلیات سعدی و کاربرد آن به صورت سوم شخص مفرد و دوم شخص مفرد (منادا) طبق جدول فراوانی نسبی و درصد تقریبی شماره (۴) محاسبه و نشان داده و در پایان این کمیت آماری به صورت نمودار دایره‌ای شماره (۴) عرضه شده است.

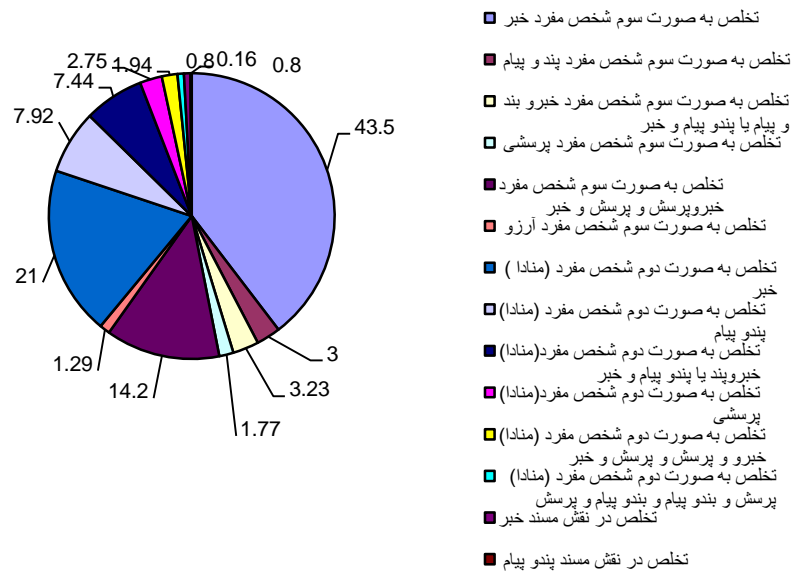
جدول شماره (۱): جدول فراوانی نسبی و درصد تقریبی تخلصهای سعدی از نظر شخص و خطاب و درونمایه در غزل

تخلص در نقش مسند	تخلص به صورت دوم شخص مفرد (منادا)	تخلص به صورت سوم شخص مفرد	شخص تخلص	
			محتوای تخلص	فراوانی ~
۵	۱۳۰	۲۶۹	خبر	فراوانی ~
			درصد ~	۴۳/۵
۰/۸۰	۲۱	۱۹	پند و پیام	فراوانی ~
			درصد ~	۳
۱	۴۹	۱۹	خبر و پند و پیام یا پند و پیام و خبر	فراوانی ~
			درصد ~	۳/۲۳
۰/۱۶	۷/۹۲	۳	پرسش	فراوانی ~
			درصد ~	۱/۷۷
	۴۶	۲۰	خبر و پرسش یا پرسش و خبر	فراوانی ~
			درصد ~	۴/۲۰
	۱۷	۱۱	آرزو	فراوانی ~
			درصد ~	۱/۲۹
	۲/۷۵	۱/۷۷	پرسش و پند و پیام یا پند و پیام و پرسش	فراوانی ~
			درصد ~	۰/۸۰
	۱۲	۲۶	جمع	فراوانی ~
			درصد ~	۵۶/۹۹
۶	۲۵۹	۳۵۳		فراوانی ~
			درصد ~	۵۶/۹۹
۰/۶۹	۴۱/۸۵	۵۶/۹۹		درصد ~

نمودار (۱-۱): نمودار دایره‌ای درصد داده‌های آماری جدول شماره (۱) تخلصهای سعدی از نظر شخص دستوری (سوم شخص مفرد و دوم شخص مفرد) در غزل



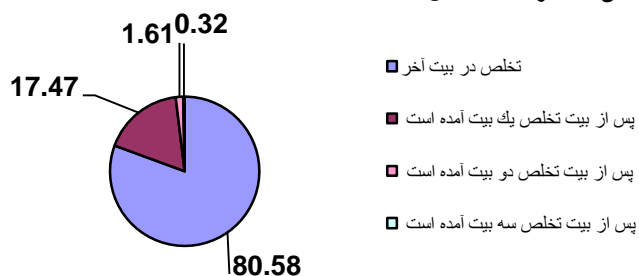
نمودار شماره (۱-۲): نمودار دایره‌ای درصد داده‌های آماری جدول شماره (۱) تخلصهای سعدی از نظر شخص و خطاب و درونمایه در غزل



جدول شماره (۲): جدول فراوانی نسبی و درصد تقریبی جایگاه بیت تخلص در غزلیات سعدی

جایگاه تخلص در ابیات غزل	تعداد \approx	درصد نسبت به غزل‌های دارای تخلص \approx
تخلص در بیت آخر	۴۹۸	۸۰/۵۸
پس از بیت تخلص یک بیت آمده است	۱۰۸	۱۷/۴۷
پس از بیت تخلص دو بیت آمده است	۱۰	۱/۶۱
پس از بیت تخلص سه بیت آمده است (کلیات سعدی ص ۵۰۴ و ۶۳۱)	۲	۰/۳۲

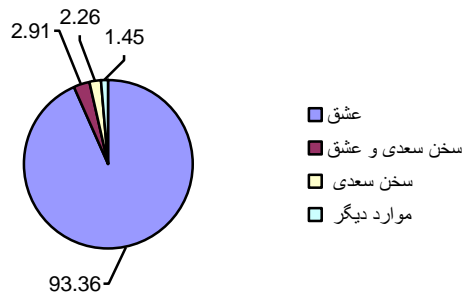
نمودار شماره (۲): نمودار دایره‌ای درصد داده‌های آماری جدول شماره (۲) جایگاه بیت تخلص در غزلیات سعدی



جدول شماره (۳): جدول فراوانی نسبی و درصد تقریبی موضوع تخلص در ابیات تخلص غزلیات سعدی

موضوع تخلص	فراوانی \approx	درصد \approx
عشق	۵۷۷	۹۳/۳۶
سخن سعدی و عشق	۱۸	۲/۹۱
سخن سعدی	۱۴	۲/۲۶
موارد دیگر	۹	۱/۴۵

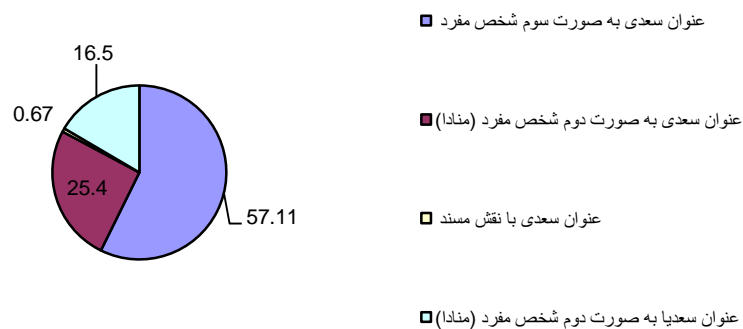
نمودار شماره (۳): نمودار دایره‌ای درصد داده‌های آماری جدول شماره (۳) موضوع تخلص در ابیات تخلص در غزلیات سعدی



جدول شماره (۴): جدول فراوانی نسبی و درصد تقریبی عنوان تخلص در غزلیات سعدی و کاربرد آن به صورت سوم شخص مفرد و دوم شخص مفرد (منادا)

عنوان تخلص شخص تخلص	سعدی		سعدیا	
	فراوانی ~	درصد ~	فراوانی ~	درصد ~
سوم شخص مفرد	۳۵۳	۵۷/۱۱		
دوم شخص مفرد (منادا)	۱۵۷	۲۵/۴۰	۱۰۲	۱۶/۵۰
تخلص در نقش مسند	۶	۰/۶۷		

نمودار شماره (۴): نمودار دایره‌ای درصد داده‌های آماری جدول شماره (۴) عنوان تخلص در غزلیات سعدی و کاربرد آن به صورت سوم شخص مفرد و دوم شخص مفرد



نتیجه گیری

۱. حدود ۹۷ درصد از غزلیات سعدی دارای تخلص است. در غزلیات سعدی حدود ۵۷ درصد از تخلصها به صورت سوم شخص مفرد به کار رفته است که بیشتر حالت خبری دارد و حدود ۴۲ درصد از تخلصها به صورت دوم شخص مفرد (منادا) به کار رفته است که گاهی حالت خبری دارد و گاهی پند و پیامی در بردارد.
۲. خبر و پیامی که در تخلص سعدی آمده، پیامی انسانی است؛ به عبارت دیگر تخلص به شاعر است مربوط ولی به او محدود نیست؛ دلیل این مطلب اینکه این خبرها و پیامها جنبه شخصی و فردی ندارد.
۳. شاعر در تخلص به صورت منادا پند و پیامی می‌دهد ولی چون خود را مورد خطاب قرار می‌دهد آزاردهنده و تکلیف‌گرایانه نیست بلکه خردگرایانه است.
۴. تخلص سعدی از نظر آوایی و تعداد هجا به گونه‌ای است که شاعر را در تنگنای وزن و قافیه به زحمت نیندازد.
۵. تخلص از نظر مفهوم با همت و شخصیت شاعر و شعر و کلام او هماهنگی دارد؛ چنان‌که ملاحظه می‌شود تخلص سعدی با همت و شخصیت او و کلمات و وزن و محتوای شعرش هماهنگ است.
۶. اساس و محور موضوعی بیت تخلص در غزلیات سعدی «عشق و دلدادگی» است. موضوع غزل نیز عشق و دلدادگی است. این هماهنگی محتوای غزل با بیت تخلص می‌رساند که بیت تخلص خلاصه‌ای از شعر است و معمولاً خبر و پیام غزل را می‌توان در بیت تخلص جستجو کرد.
۷. در غزلیات سعدی بیشتر بیت تخلص بیت پایانی است یا پس از آن بیتی یا ابیاتی آمده است که معمولاً با بیت تخلص بی‌ارتباط نیست؛ این بیان می‌کند که شاعر به طور تصادفی پایان غزل را برای تخلص انتخاب نکرده بلکه هوشمندانه دریافته است سخن آخر تأثیرگذارتر است و تأثیرش پاینده‌تر.
۸. حدود ۸۳ درصد از تخلصهای شاعر با عنوان «سعدی» به صورت سوم شخص مفرد و دوم شخص مفرد (منادا) به کار رفته و حدود ۱۶/۵ درصد از تخلصهای او با عنوان «سعدیا» به صورت دوم شخص مفرد (منادا) به کار رفته است.

منابع

- احمدی پوراناری، زهره و مهدی ملک ثابت و یدالله جلالی پندری؛ «بررسی تخلص در غزلهای نظیره واردوره بازگشت ادبی»؛ *فنون ادبی* (علمی - پژوهشی) دانشگاه اصفهان س دوم، ش ۱، (پیاپی ۲) بهار و تابستان ۱۳۸۹، ص ۳۱ تا ۴۸.
- پرنیان، موسی؛ «تخلص پنهان»؛ *مجله پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، (۴۷-۴۶)، ۱۵۸-۱۵۹، تابستان و پاییز ۱۳۸۰، ص ۳۳۵ تا ۳۶۵.
- چمن آرا، بهروز و علی حسن سهراب‌نژاد؛ «نکته‌ای نو درباره شاعری کهن (تخلص پنهان سنایی)»؛ *جستارهای ادبی* (دانشکده ادبیات و علوم انسانی سابق)، ش ۱۶۵ تابستان ۱۳۸۸، ص ۲۷ تا ۴۶.
- خاقانی شروانی، افضل‌الدین؛ *دیوان اشعار*؛ به کوشش ضیاء‌الدین سجادی، چ سوم با تصحیح مجدد، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۸۶.
- خدایار، ابراهیم و یحیی عبیدصالح عبید؛ «تخلص در شعر فارسی و عربی»؛ *فنون ادبی* (علمی - پژوهشی) دانشگاه اصفهان، س چهارم، ش ۱، (پیاپی ۶) بهار و تابستان ۱۳۹۱، ص ۶۱ تا ۷۸.
- خیامپور، ع؛ *فرهنگ سخنواران*؛ تبریز: چاپخانه شرکت سهامی چاپ کتاب آذربایجان، آبانماه ۱۳۴۰.
- دولت‌شاه سمرقندی؛ *تذکره الشعرا*؛ به تصحیح دکتر فاطمه علاقه، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵.
- دهخدا، علی اکبر؛ *لغت‌نامه*؛ (دوره جدید) تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، بهار ۱۳۷۳.
- رادویانی، محمد بن عمر؛ *ترجمان‌البلاغه*؛ به تصحیح و اهتمام احمد آتش، چ دوم، تهران: شرکت انتشارات اساطیر، ۱۳۶۲.
- امین رازی، احمد؛ *تذکره هفت اقلیم*؛ تهران: انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، سروش، ۱۳۷۸.
- رشیدی آشجودی، مرتضی؛ «بررسی تخلص در غزل ابتهاج»؛ *پژوهشهای نقد ادبی و سبک‌شناسی* ش ۳، بهار ۱۳۹۰، ص ۴۷ تا ۶۱.
- سعدی، مصلح‌الدین؛ *کلیات سعدی*؛ از روی نسخه تصحیح شده محمد علی فروغی، تهران: انتشارات میلاد، ۱۳۷۵.
- شریفی، محمد؛ *فرهنگ ادبیات فارسی*؛ ویرایش محمدرضا جعفری، تهران: فرهنگ و نشر نو، انتشارات معین.



- شفیعی کدکنی، محمدرضا؛ *زمینه اجتماعی شعر فارسی*؛ تهران: نشر اختران، ۱۳۸۶.
- شمیسا، سیروس؛ *سیر غزل در شعر فارسی*؛ چ سوم، تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۷۰.
- صفا، ذبیح الله؛ *تاریخ ادبیات در ایران*؛ چ چهارم، (ج سوم - بخش اول)، تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۶۳.
- حسین پور چافی، علی؛ «خلاصی از تخلص دلایل «تخلص» نبودن «خاموش» در دیوان غزلیات مولانا»؛ *مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان* دوره دوم، ش چهل و هفتم زمستان ۱۳۸۵، ص ۹۹-۱۱۵.
- محمدی، علی؛ «ارزش تخلص و کاربرد آن در شعر حافظ»؛ *فصلنامه پژوهش‌های ادبی*، شماره ۸، تابستان ۱۳۸۴، ص ۷۴-۵۱.
- مقاره عابد، مهدی؛ «*تحلیل و بررسی تخلص در شعر فارسی*»؛ دانشگاه شهرکرد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۸۹.
- نبوی نژاد، حسام‌الدین؛ «نام مستعار (تخلص)»؛ *فصلنامه فرهنگ، ادب و تاریخ زنده رود*، ش ۲۸ و ۲۹، پاییز - تابستان ۱۳۸۲، ص ۱۰۱ تا ۱۲۰.
- نفیسی، علی اکبر (ناظم الاطباء)؛ *فرهنگ نفیسی*؛ تهران: کتابفروشی خیام.
- نیک‌منش، مهدی؛ «راز تخلص در شعر فارسی»؛ *رشد آموزش زبان و ادب فارسی*، ۱۷ (۶۵)، بهار ۱۳۸۲، ص ۳۸ تا ۴۳.
- همایی، جلال‌الدین؛ *فنون بلاغت و صناعات ادبی*؛ چ دوم، تهران: انتشارات توس، ۱۳۶۱.